

بررسی اسناد خطی و قباله‌های مربوط به امور قنات در میبد

محمدسعید جانب‌اللهی^۱

چکیده

در شهری مانند میبد که واقع در حاشیه کویر است و به هیچ منبع آب سطحی دسترسی ندارد، قنات تنها منبع برای پاسخگویی به نیازهاست؛ به همین دلیل، زیرساخت‌های هر روستا در این ناحیه، متأثر از قنات است و ده‌ها سازه آبی مانند آب‌انبارها، آسیاب‌ها، پایاب‌ها و آب‌نماها که نیازهای جسمی و روحی انسان را برآورده می‌کنند، از قنات منشأ می‌گیرند؛ حتی ریخت‌شناسی هر کوی و محله و خانه‌های آن، همه به نوعی از قنات تأثیر گرفته‌اند. قنات حاصل تلاش و تجربه عموم مردم است و حفاظت و مدیریت بهره‌برداری از آن هم خودجوش و با همیاری و همفکری همگان صورت می‌گیرد. برای هر گونه مشکل یا خطر احتمالی که ممکن است برای قنات پیش آید، راه حلی در نظر گرفته شده و قوانین مربوط به آن هر چند نانوشته، با انواع نشانه‌های عینی و نمادین به ثبت رسیده است چنانکه به هیچ کس اجازه تخطی نمی‌دهد؛ هر ظالمی که دست به تجاوز یا خلاف بزند، از جانب مظلوم، مؤاخذه و داوری‌اش به جامعه واگذار می‌شود و دیگر، جرئت سرپیچی از قلم جامعه را نخواهد داشت. پژوهش حاضر که با روش تحقیق میدانی انجام شده، با شناسایی منابع آب، به بررسی اسناد مربوط به مالکیت آب و قنات پرداخته و شیوه‌های بهره‌برداری، توسعه، مبادله، توزیع سهام و حفاظت از قنات را به همراه راهکارهای تأمین بودجه لازم برای آن مورد توجه قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: قنات، مدیریت سنتی، خرید و فروش آب، حریم قنات، نفقه

۱. کارشناسی ارشد مردم‌شناسی، فرهنگیار و پژوهشگر فرهنگ مردم میبد. رایانامه: janebollahy@gmail.com

مقدمه

میبد در شمال غربی یزد و در حاشیه کویر مرکزی قرار گرفته و از شمال به اردکان و از جنوب، به رستاق و اشکذر محدود است. این شهر در "۲'۱۰"، ۵۴° طول و "۴۵'، ۱۴° عرض جغرافیایی واقع شده و ارتفاع آن از سطح دریا به طور متوسط ۱۲۳۴ متر است. همچنین فاصله آن تا اردکان ۱۰ تا یزد ۵۰ و تا تهران ۵۵۰ کیلومتر است. (رضویان، ۱۳۶۰: ۱۸)

میبد در مرکز دشت رسوبی وسیعی قرار گرفته که از جنوب یزد تا اردکان و شمال آن، کویر سیاه‌کوه، امتداد می‌یابد، حد غربی این دشت، با قسمتی از ارتفاعات ایران مرکزی منشعب از شیرکوه محدود می‌شود و حد شرقی آن، تپه‌ها و کوه‌های پراکنده است. شیب طبیعی آن از جنوب به شمال است و روستای رکن‌آباد در جنوب شهر به طور تقریبی ۲۰ متر بلندتر از محله عشرت‌آباد در شمال شهر واقع شده است. ارتفاع رکن‌آباد از سطح دریا ۱۲۴۵ متر و ارتفاع عشرت‌آباد ۱۲۲۵ متر است، این شیب طبیعی، سبب تسهیلاتی در امر انتقال آب از جنوب به شمال شده است، همچنان که ارتفاع بیشتر در منطقه جنوب شهر، تعدیل گرما و بهبود نسبی شرایط زیست را در پی داشته است. ارتفاعات غربی و جنوب غربی میبد، منبع عمده جذب رطوبت و تغذیه منابع زیرزمینی آب هستند. پهنای این دشت در منطقه میبد به طور متوسط ۴۵ کیلومتر در جهت شرقی - غربی گسترش یافته است (همان: ۱۰)

منابع آب میبد

آب‌های زیرزمینی (قنات‌ها - چاه‌ها): از روزگار کهن، یکی از منابع مهم مورد استفاده مردم یزد، آب‌های زیرزمینی بوده است، از بزرگ‌ترین و بهترین سفره‌های اصلی زیرزمینی آب استان، سفره دشت یزد - اردکان است که بخش عمده این دشت را از جنوب تا شمال اردکان شامل می‌شود، این سفره، آب مورد مصرف کشاورزی، شرب و صنعت شهرستان‌های بزرگ یزد، میبد، اردکان و توابع را تأمین می‌کند. عمق سفره نیز زیاد است چنان که تاکنون ۲۵۰ متر آن را از طریق حفاری مشخص کرده‌اند و تا

بررسی اسناد خطی و قباله‌های مربوط به امور قنات در میبد ❖ ۱۲۵

حدود ۴۰۰ متر در محور اصلی دشت برآورد شده است، بهره‌برداری از این سفره، توأمان از طریق قنات و چاه‌های عمیق صورت می‌گیرد:

مالکیت آب: در قنات‌های میبد اعم از ملکی یا وقفی، مالکیت آب به دو صورت است، یا آب با زمین است یا بدون زمین.

الف) مالکیت آب با زمین: در قنات‌هایی که سهامداران بزرگ در اکثریت هستند یا قنات متعلق به عمده مالک است، مالکیت آب و زمین جدا از هم نیست، در این قنات‌ها، نظام تقسیم آب، بر مدار شبانه‌روز یا در اصطلاح «تاق‌بندی» تعیین شده است. در میبد، عمده مالکی رایج نبوده و رابطه مالک و زارع وجود نداشته است؛ به همین دلیل کشاورزان نیز واحد زراعی^۱ مشخصی مانند «بنه» یا «گاوبند» نداشته‌اند، در نظام «تاق‌بندی»، سهم آب به نسبت زمین و توانایی فرد در کشت و کار تقسیم می‌شود. کوچک‌ترین واحد تقسیم آب «تأسو»^۲ نام دارد که یک‌چهارم «تاق» است. برای مثال، قنات شاه‌آباد میبد که تا قبل از اصلاحات ارضی شاه، متعلق به یکی از ملاکان یزد بود، به ۹۵ «تأسو» تقسیم شده است که هر «تأسو» ۵ قفیز^۳ زمین دارد و در زمان اصلاحات ارضی با همین معیار بین کشاورزان صاحب نسق تقسیم شده است. این مقدار زمین البته در قنات‌های مختلف کم و زیاد می‌شود، هر چه آب قنات بیشتر باشد، زمین هم بیشتر است و مقدار آن از ۴ قفیز (احمدآباد) تا ۱۴ قفیز (حسن‌آباد) نوسان دارد. در هیچ مورد، زمین جدا از آب قابل خرید و فروش نیست.

در این نظام، اداره و مدیریت آب پیچیدگی چندانی ندارد، حتی در بعضی موارد، بی‌آنکه مسئول مشخصی داشته باشد، با خودیاری مردم اداره می‌شود.

ب) مالکیت آب جدا از زمین: در قنات‌های خرده‌مالکی، مالکیت آب از زمین جداست. قنات به سهام متعدد جدا از زمین تقسیم می‌شود، و هر کس به نسبت توانایی مالی، دارای یک یا چند سهم است، حتی در مواردی، افراد بدون آنکه زمینی داشته باشند، سهام متعددی از قنات را مالک می‌شوند؛ برای مثال، قنات جدید فیروزآباد در

۱. نظام کار و بهره‌برداری جمعی.

2. ta?su

3. qafiz

۱۲۶ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

سال ۱۳۴۱ دارای ۲۲۹۱/۵ سهم بوده است که مطابق آبنامه میراب، ۳۰۲ نفر مالک آن بوده‌اند و بیش از ۸۱ درصد از سهامداران، حقه‌ای کمتر از ۱۰ جره^۱ (۷/۵ دقیقه) داشته‌اند. کمترین حقه، نیم جره (= ۳/۷۵ دقیقه) بوده است. ولی دو سه مورد اقلام عمدۀ وجود دارد که نشان می‌دهد این قنات نیز سهامداران بزرگ داشته است. نکته اینجاست که صاحبان اقلام مزبور، حتی بومی این منطقه نبوده‌اند، برای مثال ۹۹/۵ جره که وقف خاص است، مالک و واقف آن اسحق بیک یزدی معروف به حقیقت خان بوده است. مالکان ۴۵/۵ و ۸۷/۵ جره نیز یزدی بوده‌اند.

جدا بودن مالکیت آب از زمین، این امکان را برای برخی از مالکان غیربومی فراهم آورده است که بخش عمدۀ ای از سهام این قنات را خریداری کنند، بی‌آنکه حتی مالک زمینی در محدوده آن باشند.

در قنات خرده‌مالکی، نظام تقسیم آب بر دقیقه و ثانیه استوار است و حتی ثانیه‌ها را محاسبه می‌کنند، به همین دلیل، اداره و تقسیم و توزیع آب، به مدیریت منسجم و مرتبی نیاز دارد که در رأس آن میراب قرار گرفته است و از همین رو، به قنات خرده‌مالکی قنات «میرابی» هم می‌گویند.

سهام موقوفه: بخشی از سهام قنات‌های میبد وقف است، آب‌های موقوفه به وقف خاص و وقف عام تقسیم می‌شوند.

۱. وقف خاص که به آن وقف اولادی نیز می‌گویند، وقفی است که منافع آن اختصاص به اولاد واقف دارد.

۲. وقف عام که بهره آن متعلق به عامه مردم است، متولی یا مستأجر باید در ازای استفاده از آب، به شرایطی که واقف تعیین کرده، عمل کند، برای مثال، اگر وقف «امام» جماعت باشد، کسی که امامت مسجد مورد نظر واقف را بر عهده می‌گیرد، حق استفاده از منافع آب را دارد. وقف عام بیشتر موارد زیر را دربرمی‌گیرد:

۱-۲. وقف مسجد: برای مخارج تعمیر و نگهداری، مؤذن و مکبر، امامت، روشنایی و امثال آن.

1. jorra

بررسی اسناد خطی و قباله‌های مربوط به امور قنات در میبد ❖ ۱۲۷

- ۲-۲. وقف آب‌انبار: برای هزینه‌های نگهداری، تعمیر و آب کردن آب‌انبار.
- ۲-۳. وقف امام حسین (ع): برای پختن «آش حسین» در ماه‌های محرم و صفر.
- ۲-۴. وقف حسینیّه: برای تعمیر و نگهداری، تأمین روشنایی و سقایت (دادن آب خنک در دهه محرم و شربت در روز عاشورا).
- ۲-۵. وقف حمام: برای تعمیر و نگهداری، تأمین سوخت حمام، داروی نظافت و غیره.
- ۲-۶. وقف آیین‌های مذهبی: روضه‌خوانی در مسجد یا منازل (با قید زمان معین؛ برای مثال، دهه اول محرم یا دهه آخر صفر).
- ۲-۷. وقف زایران: تأمین مخارج و پوشاک (به‌خصوص گیوه) برای زوار کربلا و مشهد.

نشانه‌شناسی مالکیت در قنات

- حریم: یکی از راه‌های پیشگیری از تخریب قنات، حفظ حریم بوده که راهکارهای مختلفی داشته است:

۱. به نظر کرجی، حریم کاریز باید ۵۰۰ ذراع (= ۲۵۰ متر) باشد. (کرجی، ۱۳۴۵: ۶۳ و ۶۷)

۲. در عرف مردم، حریم چاه و قنات، برحسب نوع خاک و ترون و خشکون بودن آن، متفاوت است البته در هر منطقه معیارهای مشخصی برای آن دارند، برای مثال، در مهریز، حریم برحسب نوع گل تعیین می‌شود و اندازه آن در گل شولات ۲۰۰ متر، گل نر (رس) ۲۰۰ متر، سنگ ۳۰۰ متر و گل چیلار^۱ ۵۰۰ متر است (جانب‌اللهی، ۱۳۷۹: ۲۱۸).

حریم قنات در محدوده زمین‌های کشاورزی نیز برحسب جنس خاک، عمق چاه و نوع کشت به‌خصوص در مورد درختکاری تعیین می‌شود، برای مثال، کشت درخت با ریشه پایین رونده در حریم قنات ممنوع است. در میبد حریم چاه قنات، کلنگ‌انداز آن است که برای تعیین آن، مقنی کلنگ به دست در چاه می‌ایستد؛ به‌گونه‌ای که سینه و دست‌هایش بیرون بماند و سپس، کلنگ خود را تا جایی که زوردارد پرتاب می‌کند؛ هر جا فرود آمد، دایره‌ای با همان شعاع، حریم چاه (برای کتبار^۲) می‌شود.

۱. çillâr: گل چشمه باز و آبدار

۲. یا کتوار (katvâr): گل ریز قنات، فضای اطراف چاه که مقنیان گل لای‌روبی می‌ریزند.

۱۲۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

۳. لمبتون به نقل از قانون مدنی ایران، ماده‌های مربوط به حریم قنات را چنین بیان می‌کند:

ماده ۱۳۷. حریم چاه برای آب خوردن ۲۰ گز و برای زراعت ۳۰ گز است.
 ماده ۱۳۸. حریم چشمه و قنات از هر طرف در زمین رخوه ۵۰۰ گز و در زمین سخت ۲۵۰ گز است. اما اگر مقادیر حد کوره در این ماده و ماده قبل برای جلوگیری از ضرر کافی نباشد، به اندازه‌ای که برای دفع ضرر کافی باشد، بر آن افزوده می‌شود.
 (لمبتون، ۱۳۶۲: ۳۶۴)

حریم دو قنات نسبت به یکدیگر: به نظر کرجی، اگر قناتی با قنات دیگر در یک راستا باشد، فاصله دو کاریز باید به ۱۰۰۰ متر برسد؛ مشروط به اینکه کف کاریز در هر دو قنات یکسان باشد. (کرجی، ۱۳۴۵: ۶۷-۶۳)

متن سند ۱. استعلام حکم شرعی در مورد تجاوز به حریم قنات^۱

شرف عرض اقدس بندگان حضرت مستطاب شریعتمدار حجت‌الاسلام عالی می‌رساند در باب عبور دادن راهرو جدید الحفر جهانیان که ابتدای آن از پل بدرآباد و انتهای آن زیرتل شورک است که می‌رود به یخدان که در دو موضع روی قنوت [قنات] سعادت‌آباد که معروف به بالای است در طرف فوق اراضی بارچین عبور داده‌اند بدون اذن و رضایت دعاگو که مالک قدری از این قنوت [قنات] بالایی می‌باشم. بر وجه خلاف شرع و غصب و عدوان حفر و عبور داده‌اند و خدمت بندگان عرش آستان حضرت حجت‌الاسلام عالی ثابت و محقق شرعی گردید. استدعا از مراجع بی‌پایان اینکه دو کلمه حکم آن را در صدر عریضه مرقوم فرمایید تحریراً فی شهر ربیع‌الاولی سنه ۱۳۲۸
 پاسخ در صدر سند

۱. اسنادی که با ستاره نشان‌گذاری شده‌اند، آقای دکتر محمودجمالی فیروزآبادی به نگارنده اهدا کرده‌اند که از ایشان سپاسگزارم. سایر اسناد را مرحومان حاجی تقی فیروز و حاجی محمود صالحی فیروزآبادی در اختیار نگارنده قرار داده‌اند و برخی نیز متعلق به مرحوم پدرم هستند. تصویر سند شماره ۱ به دلیل واضح نبودن حذف شد.

بررسی اسناد خطی و قباله‌های مربوط به امور قنات در میبد ❖ ۱۲۹

بسمه و الحمد لله عبور دادن راه رو بر روی قنات مرقوم در دو موضع و اظهار عدم رضا از ورثه مرحوم حاج شیخ جمال ثابت و معلوم گردید. فی ۲۹ [ناخوانا] ع ۱۳۲۸ مهر (سجع مهر احتمالاً بالله الواثق الغنی فی کل امر است)

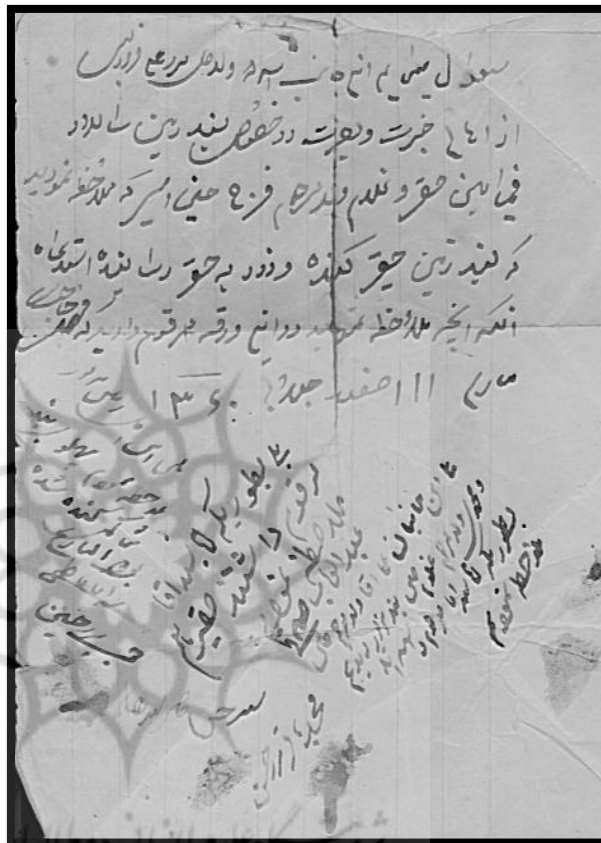
در عرف مردم، حریم دو قنات نسبت به یکدیگر، به قدری حایز اهمیت بود که اگر گمان می‌رفت، قناتی با حفر پیشکار، آب قنات دیگری را به خود می‌کشد، اجازه حفر پیشکار به آن نمی‌دادند. شیوه آزمون آن نیز حفر «زه‌نما» بود.

حریم ممر و شبکه های آبرسانی قنات

۱. داغ آب: حریم زمینی را که با زمین‌های مجاور اختلاف سطح دارد، نسبت به محل «داغ» و «نغار»^۱ می‌سنجند. مرز چنین زمینی در اصطلاح میبد «جربند»^۲ نامیده می‌شود. حریم زمینی که در بالا قرار گرفته تا محل «داغ آب» در زمین یا جویی است که در سطح پایین‌تر از آن قرار دارد. در این مورد، اگر اختلافی بر سر جابه‌جایی «جوی» پدید آید، خاکریز زمین بالایی را ملاک قرار می‌دهند. برای تعیین خاکریز، کلوخی را از بالای «جربند» رها می‌کنند تا در شیب «جربند» غلت بخورد و پایین برود؛ هر جا متوقف شود، متعلق به زمین بالاست. (جانب‌اللهی، ۱۳۸۳: ۱۴۵) در زمین‌های مرزبندی شده برای آبیاری نیز داغ آب حد نهایی محدوده مالکیت فردی است. مرز یا بندی که بین این قطعات کشیده شده، ملک مشترک محسوب می‌شود که با داغ آبدر هر دو کرت تعیین حدود شده است. اگر کسی هنگام زدن داغ زمین خود را بتراشد و عرض بند را کاهش دهد، متهم به گرفتن بند همسایه می‌شود. (سند ۲)

۱. neqâr: اثر و خطی که آب بر کناره جوی یا مرز زمین از خود باقی می‌گذارد.

۲. مجرا و ممر آب: بنابر قواعد حقوق عرفی در خصوص آب و آبیاری، مجرا و ممر آب نیز از نشانه‌های مالکیت است و قانونمندی و حریم خاص خود را دارد. این پدیده به قدری معتبر بوده که برخی، با یکی دو بار آب بردن از ممری، ادعای مالکیت می‌کرده‌اند. طبق سند شماره ۳ به نظر می‌رسد یک نفر که با چنین مشکلی مواجه بوده، از مردم استمداد و درخواست حکمیت کرده است و آنان پاسخ داده‌اند که با چند بار آب بردن، مالکیت محرز نمی‌شود.



متن سند ۲. استشهاد بند گرفتن

سؤال می‌نمایم این جانب اسدالله ولد حاجی میرزاعلی فیروزآبادی از اهالی خبرت و بصیرت در خصوص بند زمین سالار فیما بین حقیر و غلام ولد مرحوم فرج حسین امیر که ملاحظه نمودید که بند زمین حقیر کننده و زور [ضرر] به حقیر رسانیده استدعا آنکه آنچه ملاحظه نمودید در این ورقه مرقوم دارید که محل حاجت است بتاریخ ۱۱ صفر هلالی ۱۳۶۰ شهود از چپ به راست:

بررسی اسناد خطی و قباله‌های مربوط به امور قنات در میبد ❖ ۱۳۱

۱. بلی این اقل زمین مزبور ملاحظه نمودم پهلوی بند شما کمی کنده شده بود تاریخ امضا سید آقا فاطمی
۲. بلی به طوری که آقا سید آقا مرقوم داشتند حقیر هم ملاحظه نمودم. امضا عبدالوهاب صادقی
۳. این جانبان علی آقا ولد مرحوم حاجی و محمدی ولد مرحوم غلام حسین بند مزبور دیدیم به طوری که آقا سید آقا مرقوم داشته‌اند ملاحظه نمودیم. اثر انگشت
۴. سایر شهود: حبیب میرزا حسین، سید حسن حاجی سیدهاشم، محمدباقر میرزا حسن

سند ۳. استشهاد ممر



متن سند ۳. استشهاد ممر

استشهاد و استعلام می‌نمایم، از اهالی خبرت و بصیرت بلوک میبد و کسانانی که اطلاع دارند بر این که مدت یک سال است، بدون جهت آقا میرزاحیب آخوند ملاحسن و محمدرضا عبدالحسین و حاجی اسماعیل اکبر شاطر حیدر، جناب حاجی ملاحسن میاه جدیده در ممر خانه حقیر محمداسماعیل ولد حاجی میرزا صادق فیروزآبادی گاهی به خواهش میاه جدیده شرب نموده‌اند و فعلاً ادعای ملک می‌نمایند [چندکلمه ناخوانا] دو کلمه شهادت در صدر ورقه مرقوم و به خاتم شریف خود مزین فرمایید که لدی الحاحه حجت بوده باشد. تحریراً فی شهرآ لصفیر ۱۳۴۵

پاسخ: حاشیه بالا از راست به چپ

۱. عالی شأن قاسم بن غلام بن علی بن صفر ادای شهادت نمود که از سابق الی یک سال قبل باغ آقا میرزاحیب از ممر خانه اسماعیل به میاه جدیده شرب نمی‌شد، و بعد پارسال گاهی آقا میرزا حیب می‌خواست آب جدیده بدهد، آقا اسماعیل مانع می‌شد، آن وقت میرزاحیب می‌گفت اجاره‌نامه می‌دهم، و آقا محمود بن علی حسینی شهادت داد، تا یاد دارم که پانزده سال است، آب از این ممر خانه مرقومه نمی‌بردند، در سال گذشته آقا میرزا حیب بنا گذاشت آب صیفی برد، و مکرر وعده می‌داد، که اجاره‌نامه می‌دهم. ۲۷ صفر ۱۳۴۵

مهر با سجع عبده محمدحسن بن محمدتقی

۲. عالی حضرت آقاعلی بن محمدبن حسن شهادت داد، تا یاد دارم، از این ممر میاه جدیده نمی‌بردند.

۳. آقا ابوالقاسم بن آقامحمدبن ابوالحسن شهادت داد، سال گذشته مرا آوردند که گل در باغ اسماعیل بریزم که آب از این ممر ببرند، عیال آقا اسماعیل مانع شد و رفتم. التاریخ همان مهر

۴. آقاغلامحسین بن علی حسینی اظهار داشت، تا یاد دارم، آب از این طرف نمی‌بردند، و یک سال است، کریک^۱ درست کردند، صد دفعه آقا اسماعیل مانع شد، و آقا میرزاحیب وعده می‌داد که اجاره‌نامه می‌نویسم، و می‌دهم. التاریخ همان مهر

۵. عالی شأن حاجی بن عابدین ادای شهادت نمود که چندی قبل از طرف باغ وقفی پاشنه در سوراخ کردند، و آب بردند، در باغ که فعلاً آقا میرزاحیب دارد، و گاهی هم کمی آب که آن طرف می‌رفت، سر می‌دادند، در باغ آقا میرزاحیب.

۶. شهادت داد، عمدت المتمدین آقا بابا ولد علی صفر که از قدیم آب جدید در باغ حضرات مرقومه نمی‌رفت، و دو سال است، تقریباً که ممر درست کرده و آب جدید می‌برند. التاريخ

حاشیه سمت راست از بالا به پایین

۷. عالی شأنان استادعلی رضا عبایف و رضا ولدحسین بن محمدحسن و محمدحسین آبیاری ولدغلام رضا و ابراهیم ولدمحمدبن حسن وغلام حسین ولدمحمدبن حسن و آقاعلی ولد حاجی رضا شهادت دادند، که باغ‌های اشخاص مفصله در متن مشرب به میاه قنات محمودی فیروزآباد بود، و آب جدید روی آن نمی‌رفت، و حالا که آب محمودی کسر کرده، چندی است، گاهی به اذن شما آب جدید در ممر خانه شما شرب می‌نمایند، و بدون اذن شما حق شرب این ممر خانه شما که باید آب جدید رد شود، حق ندارند، به تاریخ ۲۲ شهر صفر المظفر ۱۳۴۵ مهر با سجع بالله الواثق الغنی عبده سعید الحسینی

حاشیه پایین از چپ به راست

۸. عالی حضرت سلالت السادات آقا سید احمدخلف مرحوم حاجی سید یحیی فیروزآبادی شهادت می‌نماید، تا سال سابق شرب جدید از این ممر که در متن قلمی گشته، نشده و حال هم بدون اذن شما کسی حقی ندارد. مهر با سجع احمد الحسینی

۹. بلی شهادت داد، آقا حسن ولد غلامحسین عطار که باغچه که میرزاحیب خریده زمانی که محمداسماعیل احمد داشت، شرب جدید نمی‌شد، و آب محمودی شرب می‌شد.

مهر با سجع محمدحسن بن غلامحسین

۱۰. عالی شأن خیرالحاج حاجی غلامحسین خلف مرحوم حاجی علی رضا

شهادت داد، که به هیچ وجه چند سال قبل هرگز شرب جدیده نمی کردند، و حق ندارد. فی ۲۷ شهر صفر.

مهر با سجع حبیب الله ابن محمدباقر

۱۱. بلی مشهدی ولد خالو شیخ شهادت داد، که تا سال سابق آب جدیده شرب نشده، ولی یک سال است به اذن مشارالیه شرب شده، بدون اذن شما حقی ندارند. مهر با سجع نصر من الله و فتح قریب

۱۲. استادعلی محمدبن حسین عبدالله اظهار داشت که سابقاً یا خفا یا به التماس آب از این ممر می بردند، تا چندی قبل آقا میرزاحیب آمد، حق ممر باغ حقیر را خرید، و قباله گرفت، حال من مانع نمی شوم، التاریخ مهر با سجع عبده محمدحسن بن محمدتقی

مدیریت تقسیم و توزیع سهم آب قنات

میراب و کارگزاران آب: میراب مسئول تنظیم گردش و تقسیم عادلانه آب بین کشاورزان است و با رأی اکثریت سهامداران انتخاب می شود. برای این منظور ۵ یا ۶ نفر از معتمدان محل که در ضمن، دارای بیشترین سهم آب نیز هستند، شخص معتمد و امینی را طبق موازین معین انتخاب می کنند و طومار یا کاغذ میرابی را به نام او می نویسند و به امضای سهامداران می رسانند.

این طومار دست کم باید به امضای بیشتر از نصف مالکان قنات برسد، برای مثال، در قنات جدیده فیروزآباد که گردش آب ۱۲ روز است، کاغذ میرابی باید به امضای حداقل مالکان ۷ شبانه روز یعنی نصف به اضافه یک سهامداران برسد.

در کاغذ میرابی، مقدار حقوق، تعداد دستیاران و میزان گردش آب را قید می کنند، در قنات مزبور نیز سه شبانه روز به عنوان حقوق میراب و همکاران او در نظر گرفته می شود که یک شبانه روز و تاق در فصل «شتوی» و یک شبانه روز و تاق در فصل صیفی قابل وصول است. میراب برای دریافت حقوق خود این مدت را به مدار گردش آب که ۱۲ روز است اضافه می کند. این افزایش زمان به میل و اراده میراب بستگی دارد

بررسی اسناد خطی و قباله‌های مربوط به امور قنات در میبد ❖ ۱۳۵

و او نیز مناسب‌ترین زمان یعنی وقتی را که محصول به آب بیشتری نیاز دارد و ارزش آن افزایش می‌یابد، برای این منظور انتخاب می‌کند.

در بعضی قنات‌ها، حقوق میراب از محل نفقه تأمین می‌شود. در ده‌آباد^۱ در گذشته،

برای حقوق میراب از هر

تشت که ۱۲ دقیقه بود، نیم

دقیقه کم می‌کردند، در نتیجه

در هر شبانه‌روز ۸ تشت آب

برای میراب «سرک» داشت،

ولی در زمان پژوهش از

محل نفقه، ماهی ۵ هزار

تومان به عنوان حقوق به او

می‌پرداختند. در همین زمان،

در بفرو^۲ هر کسی به نسبت

سهم خود در ازای هر تشت

۱۰ تا ۱۵ تومان به میراب

می‌پرداخت، در این محل،

میراب وظیفه دشتبانی را هم

بر عهده داشت. به طور کلی

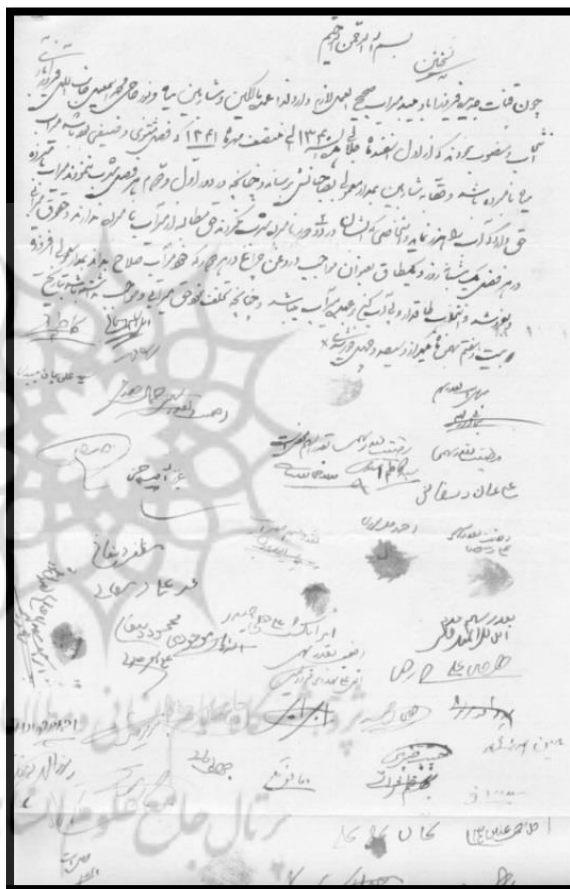
امروزه در محلاتی که چاه

عمیق جایگزین قنات شده

است، حقوق میراب را نقد

می‌پردازند.

سند ۴. کاغذ میرابی



۱. یکی از محلات میبد.

۲. bafro: یکی از محلات میبد.

متن سند ع. کاغذ میرابی

بسم الله الرحمن الرحيم

چون قنات جدیده فیروزآباد میبد میراب صحیح العمل لازم دارد لذا عمده مالکین و شاربین میاه مزبور حاجی محمداسماعیل جانب‌اللهی فیروزآبادی انتخاب و منصوب نمودند که از اول اسفند ماه جلالی هذه السنه ۱۳۴۰الی منتصف مهرماه ۱۳۴۱ که فصل شتوی وصیفی بوده باشد میراب میاه نامبرده باشد و حقایبه شاربین به مدار معمولی به صاحبانش برساند و چنانچه در دور اول و دوم هر فصل شرب نمودند میراب نامبرده حق دارد که آب را هرز نماید و اشخاصی که آبشان در دو دور نامبرده شرب نکردند، حق مطالبه از میراب نامبرده ندارند و حقوق میرابی در هر فصل یک شبانه روز و یک طاق به عنوان موجب و روغن چراغ در هر دور که خود میراب صلاح بدانند، به مدار معمولی افزوده و بفروشد و انتخاب طاقدار و پی آب کن برعهده میراب می باشد و چنانچه تخلف نمود، حق میرابی و مواجب نداشته باشد به تاریخ بیست وهفتم بهمن ماه یکهزار و سیصد و چهل خورشیدی

امضای سهامداران.....

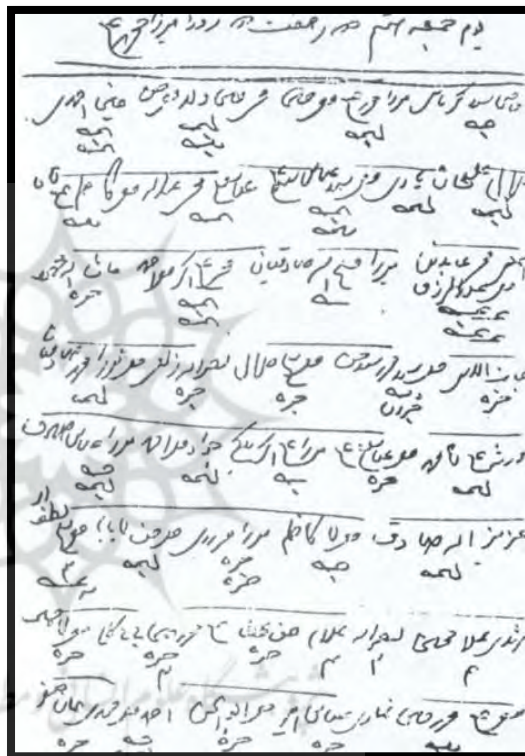
تاق نویسی یا حساب رسی: میراب هر روز صبح هنگام طلوع آفتاب (فیروزآباد) یا ظهر، برای «تاق نویسی» یا حساب رسی به «پای آب» می رود. «تاق سلار» حساب یک شبانه روز یا مدت زمانی را که در نوبت خود به کار مشغول بوده است، به میراب می دهد. او تمام اسامی را، که در بعضی روزها شاید از صد نفر نیز تجاوز کند، (در فیروزآباد) با مقدار آبی که برده اند بدون آنکه یادداشت کرده باشد (بیشتر تاق سلارها بی سوادند) به کمک حافظه خود، برای میراب بازگو می کند. میراب نخست، تمام اسامی را به ترتیبی که تاق سلار می گوید، با مقدار سهم آب، شماره «دور» و قید تاریخ و نام «تاق سلار» در دفتر «روزنامه» می نویسد. برای مثال، بالای صفحه می نویسد: یوم جمعه هشتم «دور» هفت روز میرزا محمدعلی. سپس، نام کسانی را که در این روز آب برده اند می آورد (سند ۶) میراب وقتی به خانه برگشت، حساب هر کس را به ترتیب در دفتر کل وارد می کند گاهی میراب برای اینکه کار «تاق سلار» را راحت تر کرده باشد، غروب «پای آب» می رود و حساب صبح تا غروب را از او می گیرد و بقیه را برای روز بعد می گذارد.

بررسی اسناد خطی و قباله‌های مربوط به امور قنات در میبد ❖ ۱۳۷

میراب برای محاسبه، حساب سیاق به کار می‌برد که تفاوت مختصری با سیاق معمولی دارد. برای مثال، در قنات جدیده فیروزآباد، برای نوشتن ارقام از دانگ (یک ششم تشت یا جره) تا ۲/۵ تشت، از کلمه استفاده می‌کند. کمترین واحد زمان برای

سند ۵. یک صفحه از دفتر روزنامه میراب برای

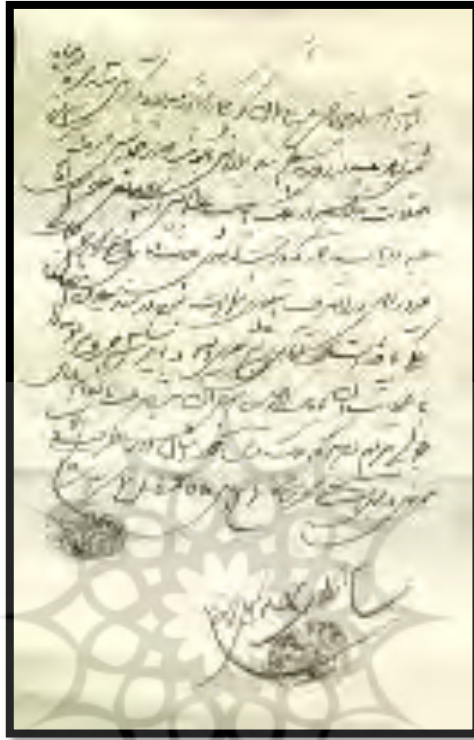
خرید و فروش آب



محاسبه آب، دانگ است ولی چون در محاسبات، کمتر از نیم جره ضبط نمی‌شود و با انداختن گاه محاسبه می‌کنند، کلمه دانگ فقط در آب‌نامه و برای مشخص کردن میزان مالکیت‌های کمتر از یک «تشت» کاربرد دارد. در دفتر میراب، مبداء محاسبه از نیم است. اگر کسی نیم «جره» آب «برده باشد»، میراب در دفتر خود، زیر نام او همان کلمه نیم را بدون نقطه می‌نویسد (سند ۶). برای یک تشت نیز «جره» می‌نویسد که همان کلمه «جره» بدون نقطه است چون اگر نقطه جره را بگذارد، به معنی ۱/۵ تشت خواهد بود. برای دو تشت «جران» بدون نقطه می‌نویسد که

همان کلمه جران مثنی جره و به معنی ۲ جره است ولی اگر نقطه ج را بنویسد، مراد ۲/۵ تشت می‌شود. از سه تشت به بعد نیز از حساب سیاق معمولی استفاده می‌کند، با این تفاوت که هر جا نقطه زیر عدد سیاق بگذارد، به معنی اضافه شدن رقم نیم به آن خواهد بود. برای مثال، سه تشت را به شکل سه می‌نویسد و اگر منظورش ۳/۵ تشت باشد، نقطه‌ای زیر آن می‌گذارد. (سند شماره ۵)

سند ۶. خطاب رسمی فروش آب و زمین



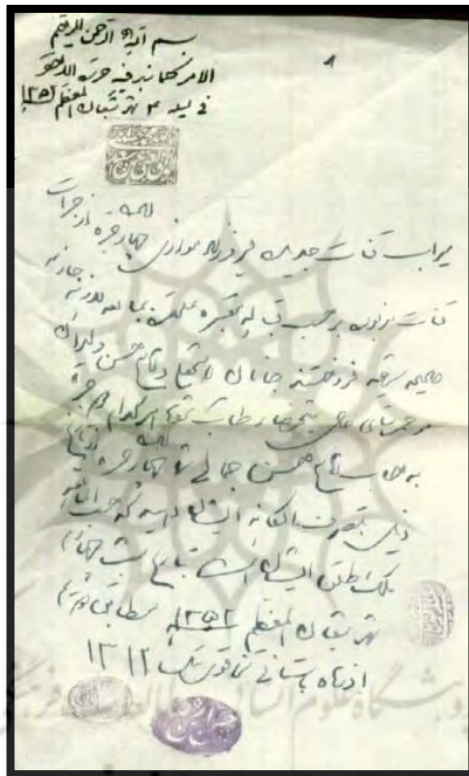
متن سند ۶. خطاب رسمی فروش آب و زمین

آقا اسدالله ولد میرزا حسین ابن علی بمان کوچکی [یک کلمه خوانده نشد] می دارد که تمام سه جره از میاه شمس آباد میبند از پنجم بند با اراضی تابعه میاعیه از جمله شش جره و غیرها از متعلقات قدرالحصه از ملک اینجانب اسد اتحادیه نجل خلف مرحوم آقا عبدالوهاب رحمه که در تحت تصدی جناب آقای آقا شیخ محمد حسن جمالی فیروزآبادی در تصرف استیجاری شماسه به شرح در سند علاوه انتقال ملکی یافته است به خود آقای شیخ معزالیه و باید سه جره مرقومه را با ملحقات آن با مال الاجاره صیفی آن به تصرف مالکانه آقای جمالی مرقوم فرمایید که ملک و حق خود ایشان و از طرف این جانب ممضی و

بررسی اسناد خطی و قباله‌های مربوط به امور قنات در میبد ❖ ۱۳۹

قبول است تحریراً فی ربیع اول ۵۵ مطابق ۱۵/۳/۷
مهر با سجع عبدالحسین اتحادیه تفتی ۲- سجل: [دوکلمه خوانده نشد]
بامضا فیه لدی حرره امضا و مهر با سجع الراجی محمد بن محمدعلی

سند ۷. خطاب رسمی فروش آب



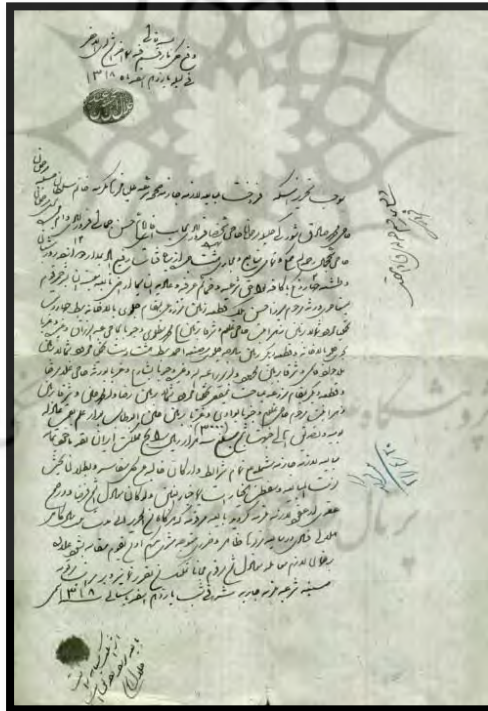
متن سند ۷. خطاب رسمی فروش آب

میراب قنات جدیده فیروزآباد موازی چهارجره ازجرات قنات مزبوره موجب
قباله معتبره علیحده به مبیاعه لازم جازم صحیحه شرعیه فروخته جنابان آقا
شیخعلی و آقا شیخ حسن ولدان مرحمت حاج شیخ رضا طاب ثراه هرکدام
دو جرّه به جناب آقا شیخ حسن جمالی چهارجره از تاریخ ذیل به تصرف

مالکانه ایشان دهید که حسب المبیعه ملک طلق ایشان است. تاریخ شب
چهاردهم شهر شعبان المعظم ۱۳۵۲ مطابق دویم آذرماه باستانی تخاقوی ئیل
۱۳۱۲ مهرحسین رضا
سجل صدر سند
بسم الله الرحمن الرحيم الامر کلما [خوانده نشد] فيه حرره الاحقر فی لیلت
۴ شهرشعبان المعظم ۱۳۵۲ مهر با سجع بالله واثق الغنی محمد سعید

- فروش آب نیز برحسب اینکه اداره امور آب و مدیریت آن به چه نظامی^۱ تعلق
داشته باشد، اشکال متفاوتی به شرح زیر دارد:
الف) در نظام تاقبندی، فروش آب با زمین است. (سند شماره ۸)

سند ۸. قبالة فروش آب با زمین



۱. برای اطلاع از نظام‌های آبیاری نک: جانب‌اللهی، محمدسعید (۱۳۸۳) چهل گفتار در مردم‌شناسی میبد، دفتر اول، فرهنگ و فناوری قنات، تهران: روشنان.

متن سند ۸. قباله فروش آب با زمین

موجب تحریر اینکه فروخت به مبیعه لازمه جازمه صحیحه شرعیه علیا مخدره مکرمه خانم سلطان صبیبه مرحمت شان حاجی محمد صادق شورکی حلیله مرحمت شان حاجی شیخ رضا فیروزآبادی به جناب آقای شیخ حسن جمالی فیروزآبادی دام مجده نجل مرحمت شان حاجی شیخ جمال رحمه الله همگی و تمامی منابع و مجاری هشت جره از میاه قنات رفیع آباد ب مدار دوازده روز شبان و طشته چهاردانگی با کافه لواحق شرعیه و ضمائم عرفیه و عادیه آن سیما اراضی تابعه معینه آن به شرح مرقوم مستأجری ورثه مرحوم میرزاحسین ملک قطعه زمین مزروعی به مقام جلوی بالاخانه به بسط چهار دست تخمیناً محدود شمالاً زمین زهرا بنت حاجی غلام و شرقاً زمین شیخ محمد مظلومی و جنوباً به حاجی عبدالرزاق و غیره و غرباً جوی جلوی بالاخانه و قطعه دیگر زمین سادجه جلوی مصنعه احمد به بسط هشتاد دست تخمیناً محدود شمالاً زمین ملاجواد قاسمی و شرقاً زمین محمود ولد میرزا عبدالله و غیره و جنوباً به شارع و غرباً به ورثه حاجی غلام رضا و قطعه دیگر به مقام مزرعه به مساحت نیم قفیز تخمیناً محدود شمالاً زمین رضا ولد محمدحسین و شرقاً زمین زهرا بنت مرحوم حاجی غلام و جنوباً به وادی و غرباً به زمین حسین ابوطالب بعد از علم به قیمت عادلّه یومیّه و تصدیق اهالی خبرت به ثمن مبلغ سه هزار ریال رایج مملکت ایران نقد مأخوذ تمام مبیعه لازمه جازمه مشتمله علی تمام شرایط و ارکان خالیّه عن کل مفاسد و بطلان به حیث لزمت المبیعه و سقطت الخیارات سیما خیارالغبن و لوکان معادل الثمن فرضاً و در ضمن عقدی از عقود لازمه ملزومه گردید بایعه مرقومه که هرگاه من التحریر الی مدت بیست سال کامل هلالی فسادی در مبیعه مزبوره ظاهر و ضرری متوجه مشتری مکرم او من یقوم مقامه بشود. علاوه بر ضمان معامله معادل ثمن مرقوم مجاناً تملیک [خواننده نشد] مقرر نمایند و بر مراتب مرقومه صیغه شرعیه جاریه شد. فی شب یازدهم اسفند ماه باستانی ۱۳۱۸ شمسی.

جای انگشت. اثر انگشت سبابه راست بایعه مرقوم تصدیق است جلال‌الدین

بن عبدالحسین

سجلات

بالا سمت چپ: بسمه تعالی وقع کل مارقم فيه سيما اخذ الثمن لدى الاحقر
فی لیلت یازدهم اسفندماه ۱۳۱۸ مهر با سجع جلال بن عبدالحسین
حاشیه سمت راست: وقع بما رقم فيه لدى حررها امضاء فیروزی
ثبت گردید ۲۱/۴/۲۰

ب) در قنات‌هایی مانند شمس‌آباد، رفیع‌آباد و کثویه که نظام تاق‌بندی دارند، آب را به طور معمول، با زمین می‌فروشند (نک. سند ۸). با این حال، گاه بر خلاف سنت، فروش آب بدون زمین (آب به اصطلاح رخ) نیز انجام می‌شود. (سند شماره ۹)

سند ۹. قباله فروش آب رخ (آب بدون زمین)



متن سند ۹. قباله فروش آب رخ (آب بدون زمین)

فروخت به مبیعه لازمه جازمه صحیحه شرعیه آقا محمد علی قاسمی فیروزآبادی به شناسنامه شماره ۱۳۰۶ فرزند ملاجواد قاسمی به خانم سلطان عزیزی بارجینی دختر آقا حسن ولد احمد معروف به سیاه خان تمامی منابع و مجاری دوجره میاه رخ قنات رفیع آباد مدار دوازده روز طشته چهاردانگی با لواحق شرعیه و عرفیه آن مقرونه به قبول و به عقد شرعی بعد از علم به قیمت عادلّه یومیه و تصدیق اهالی خیرت ثمن مبلغ دو هزار و پانصد ریال رایج ایران نقد مأخوذ بتمامه مبیعه لازمه جازمه حاویه علی شرایط الصحه، خالیه عن شوائب الشبهه، مقرونه به اسقاط الخیارات المتصوره سیما خیارالغبن و در ضمن عقد خارج لازم ملزم شرعی بایع مزبور که هرگاه از حال تحریر الی مدت سی سال کامل هلالی فسادی در مبیعه مزبوره ظاهر شود علاوه بر ضمان لازم معامله معادل ثمن مجاناً تملیک من تضرر نماید و صیغه شرعیه جاریه گردید. فی ۳ مرداد ۱۳۲۲ شمسی امضاء محمدعلی قاسمی توضیحات هامش:

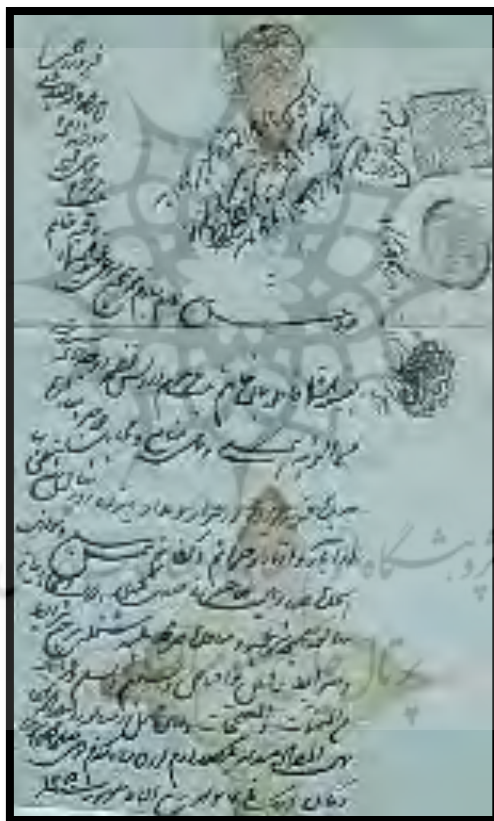
۱. مبلغ دو هزار و پانصد ریال بابت قیمت میاه مرقوم به توسط خریدار عاید فروشنده گردید. التاریخ محمد علی قاسمی مهر جلال‌الدین
۲. آقا ملاجواد قاسمی فیروزآبادی به شناسنامه شماره ۹۰۶ فرستاده فیروزآباد، فرزند مرحوم ملا ابوالقاسم امضا و تمکین مبیعه مزبور نمود و در ضمن عقد خارج لازم شرعی ملزم گردید ملاجواد مرقوم که هر گاه از حال تحریر الی مدت سی سال کامل شمسی فسادی در مبیعه مزبوره ظاهر شود و ضرری متوجه مشتری او من یقوم مقامها بشود، علاوه بر ضمان لازم معامله و رد مثل تمام ثمن معادل ثمن مجاناً تملیک من تضرر نمایند و صیغه شرعیه جاریه د فی ۲۲/۵/۳ مهر جواد بن ابوالقاسم سجالات: اعترف بمارقم فیه لدی امضا حاشیه بالای سند از سمت چپ:

۱. وقعما زبر فیه سیما اخذ الثمن لدی الاحقر فی ۳ مرداد ماه ۱۳۲۲ مهر با سجع جلال بن عبدالحسین
۲. مراتب فوق تصدیق می نمایم. طاهر طاهری کدخدای فیروزآباد مهر با سجع محمد طاهر

۳. آقا ملاجواد قاسمی و فرزند ایشان آقا محمد علی اعتراف به مراتب در متن و هامش نمودند حرره امضا جلال رشیقی من الشاهدین: قاسمی فیروزآبادی. عبا سعلی قاسمی

ج) فروش آب در نظام میرابی جدا از زمین: متعلقات آب در این شیوه مدیریت آبار^۱ و انهار و حرائم^۲ و کظائم^۳ فروش آب قنات جدا از زمین درقنات کثنویه با نظام تاقبندی است نه زمین. (نک. سند ۱۰)

سند ۱۰. فروش آب جدا از زمین



۱. جمع بئر، چاهها.

۲. احتمالاً به معنی جمع حریم گرفته که غلط است چون جمع حریم احرم و احاریم است.

۳. آب‌هایی که در زیر زمین جاری است، مانند کاریز (خوارزمی، ۱۳۶۲: ۷۰).

بررسی اسناد خطی و قباله‌های مربوط به امور قنات در میبد ❖ ۱۴۵

متن سند ۱۰. فروش آب جدا از زمین

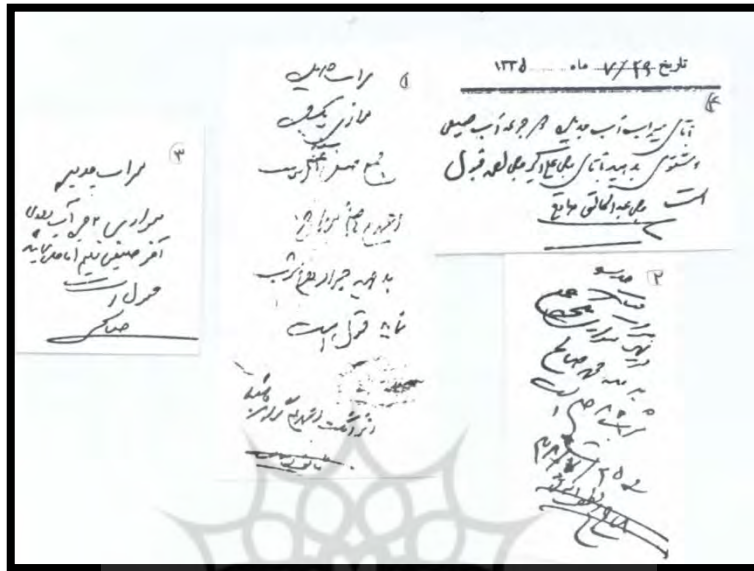
فروخت به بیع لازم جازم و صحیح شرعی عقیفه‌المسمات رقیه خانم بنت مرحوم حاجی محمد زوجه دائمه آقا محمدولد حیدرعلی فیروزآبادی به عقیفه المسمات فاطمه بمان خانم بنت مرحوم درویش نظر زوجه دائمه سیدعلی من القریه همگی و تمامی منابع و مجاری دو جره میاه قنات جدیده قریه فیروزآباد از قرار و مدار یازده روز شبان مع مایتعلق بها از آبار و انهار و حرائم و کظائم به ثمن مبلغ و موازی هیجده عدد ریال صاحب قرانی عددی یک هزار و دویست و پنجاه دینار مبیاعه صحیحه شرعیه و معاقده صریحه ملیه مشتمله برجمیع شرایط و ضوابط و قبض و اقباض و تسلیم و تسلیم و غیرذالک من المسمات و المصححات و غبن محتمل در مبیاعه؟ مصالحه نمود به مال‌المصالحه مقدار یک صد درم به وزن شاه گندم بومی صلحاً صحیحاً شرعياً و کان ذالک فی ۲۷ شهرربیع الثانی شهرسنه ۱۲۵۰

سجلات:

حاشیه سمت راست از بالا به پایین وقع مافیہ لدی؟ مهر با سجع لاله الا لله الملك الحق المبین عبده کریم؟؟
اقرت بمافیہ لدی مهر با سجع؟؟
اقرت بمافیہ لدی مهر با سجع عبده الراجی علی رضا
در حاشیه بالا مبیع مزبور تعلق شرعی به فرزند بطنی خودش و هی سکینه بگم بنت سید علی یافت تحریراً فی اول شهرربیع الاول سنه ۱۲۵۳ مهربا سجع الله واثق

فروش آب دوری و فصلی: یکی دیگر از روش‌های مبادله آب، فروش آب دوری و فصلی بود. آب دوری یعنی مقدار آبی که در یک دور گردش (۱۲ روز) می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد؛ آب فصلی نیز مقدار آبی است که خریدار می‌تواند در یک فصل زراعی که مدت آن از ۹ دور (فصل شتوی) تا ۱۱ دور (دور صیفی) گردش ۱۲ روزه آب است، از آن استفاده کند. فروشنده با نوشتن حواله از میراب می‌خواهد که آن را به خریدار تحویل دهد. (سند ۱۱)

سند ۱۱. حواله فروش آب دوری و فصلی



مدیریت حفاظت و نگهداری

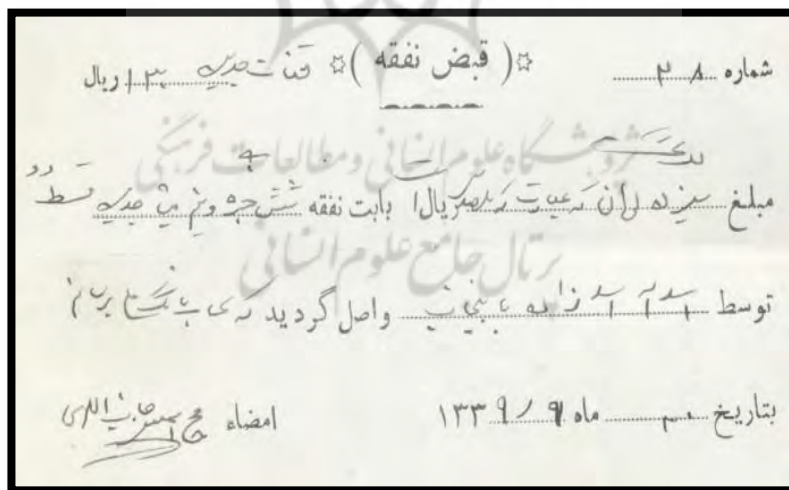
چون قنات به مراقبت دائم نیاز دارد، به‌ویژه در عرصه پهناور دشت کویری که تنها منبع ذخیره آبی آن محدود به ارتفاعات شیرکوه می‌شود، میدان رقابت تنگ است و هر لحظه امکان دارد قناتی از قنات دیگر جلو بزند و عرصه را تنگ‌تر کند، به همین دلیل قنات باید پیوسته رو به توسعه و گسترش باشد. از طرف دیگر، توجه به نگهداری قنات نیز لازم است، لایروبی و مرمت راهروها و میله‌ها، لازمه حفاظت از قنات است و همه این موارد به هزینه‌هایی نیاز دارد که تأمین آن تنها با همکاری جمعی میسر است. صاحبان قنات برای تأمین هزینه‌های نگهداری آن برنامه‌ریزی‌های متعددی داشته‌اند و راه‌حل‌های مختلفی را برای فراهم آوردن مخارج قطعی و احتمالی پیش‌بینی کرده‌اند، به طور کلی، برای محافظت از قنات در برابر حوادث طبیعی و غیرطبیعی، پیش‌بینی منابع مالی زیر انجام شده است:

بررسی اسناد خطی و قباله‌های مربوط به امور قنات در میبد ❖ ۱۴۷

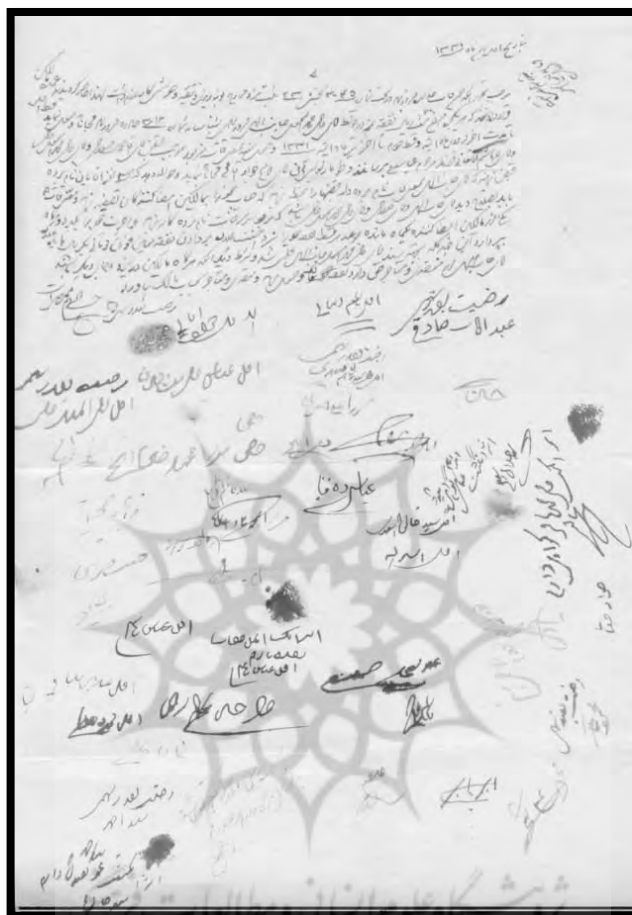
۱. **نفقه:** رایج‌ترین شیوه تأمین هزینه‌های قنات، وصول نفقه است. نفقه در واقع نوعی مالیات استفاده از آب است که برای تعیین میزان آن، هر سال شورایی مرکب از سه نفر از مالکان تشکیل می‌شود تا پس از برآوردهای کارشناسی، بودجه لازم را برای مخارج قنات در هر زمینه که ضروری به نظر برسد اعم از حفر پیشکار، لایروبی، تعمیر و بازسازی، معین کنند و مبلغ تعیین شده را به نسبت سهم، بین سهامداران تقسیم و ترتیب وصول آن را نیز مشخص کنند.

شیوه وصول نفقه: از شورای یاد شده یک نفر به نام متصدی یا عامل و دو نفر به نام ناظر، برای وصول نفقه انتخاب می‌شوند. گاه میراب، تاقدار یا حتی مقنی، یکی از این عوامل خواهند بود، شورای مزبور نخست شماره حسابی را به نام قنات در بانک افتتاح می‌کند که برداشت از آن فقط با امضای متصدی و دست‌کم یکی از ناظران ممکن است، عامل یا متصدی وجوه نفقه را یا رأساً دریافت و به حساب مزبور واریز می‌کند یا از سهامداران می‌خواهد که وجه تعیین شده را به حساب بریزند و رسید آن را برای او بیاورند.

سند ۱۲. رسید وصول نفقه



سند ۱۳. تعیین میزان نفقه و شیوه وصول آن



متن سند ۱۳. تعیین میزان نفقه و شیوه وصول آن

به تاریخ اول بهمن ماه ۱۳۳۰
موجب تحریر آنکه چون قنات جدیده فیروزآباد در تحت شماره ۳۰۴۵
بخش ۲۳ ثبت یزد مخارج بونه‌ریزی^۱ و تنقیه و حفر پیشکار لازم داشت، لهذا

۱. در مواردی که ارتفاع راهرو کم بود و بر اثر زیاد شدن آب قنات عبور مقنی از آن مقدور نبود با تراشیدن سقف راهروی قنات، ارتفاع آن را افزایش می‌دادند و به این عمل بونه‌ریزی می‌گفتند.

حاضر گردیدند عمده مالکین و قرارداد نمودند که هر یک جره مبلغ ۲۰ ریال نفقه نموده در دو قسط آقای حاجی محمداسماعیل جانب‌اللهی فیروزآبادی به شناسنامه شماره ۳۱۲ صادره فیروزآباد مجانا وصول نمایند قسط اول، تا مدت آخر فروردین ماه آتیه و قسط دوم، تا آخر تیر ماه آتیه ۱۳۳۱ وصول نموده به مقنی قنات به موجب قبض آقای آقاجمال صلاحی و آقای حاجی محمداسماعیل حاجی و آقای آقا هاشم دهقانی فرزند مرحوم عباسعلی برسانند و طومارنویس آن آقای آقا شیخ جواد آقائی مجانا بنماید و حواله دهد که سه نفر آقایان نام برده قبض نمایند که آقای جانب‌اللهی به مقنی قنات نام برده داده قبض را ضبط نماید که حساب خود را به مالکین امضاکنندگان تصفیه نماید و مقنی قنات هم باید به صلاحدید آقای جانب‌اللهی و آقای صلاحی و آقای حاجی محمداسماعیل حاجی باشند که برود بر سر قنات نامبرده کار نماید و اجرت خود را بگیرد و هر گاه یکی از مالکین امضاکننده یک ماه مانده به موعد هر قسط نفقه خود را نپرداخت، علاوه بر دادن نفقه معین فوق تومانی یک ریال علاوه باید بپردازد، این چند کلمه به جهت سند آقای حاجی محمداسماعیل جانب‌اللهی قلمی شد و شرط دیگر آنکه هر گاه مالکین در یزد و جای دیگر باشند، آقای جانب‌اللهی از متصدی و مستأجر ایشان حق دارد نفقه مالک وصول نماید و متصدی و مستأجر به حساب مالک بیاورند.

امضای مالکین و شاربین

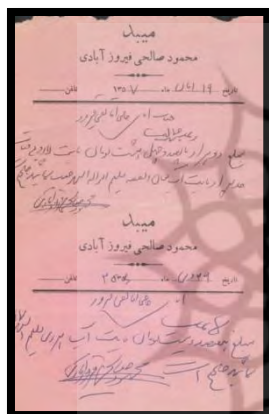
شیوه هزینه کردن نفقه: متصدی یا عامل، با نظارت ناظران، با سرمقنی به صورت روزمزد یا کتراتی قرارداد می‌بندد و هر هفته با دریافت گزارش پیشرفت کار، دستمزد هفتگی مقنی‌ها را به او می‌دهد، سرمقنی که به طور معمول ۳ یا ۴ «چرخ»^۱ در اختیار دارد، پس از کسر به اصطلاح «تومنی» که شامل کرایه چرخ چاه، بهای تیماج برای دوختن دلو و روغن چراغ (سوخت) می‌شود، دستمزد هر گروه را پرداخت می‌کند. سرمقنی «تومنی» را باید به صاحب چرخ و تهیه‌کننده سایر اقلام یادشده که اغلب از

۱. گروه کاری مقنی.

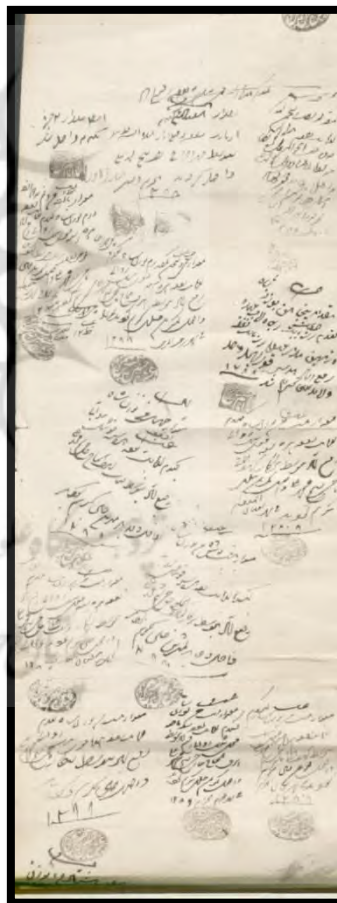
۱۵۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

مالکان بزرگ محلی بود، می پرداخت. طبق سند شماره ۱۴، در سال ۱۳۳۲ عامل نفقه در بیشتر موارد، به جای پول نقد، حواله ای جنسی؛ شامل مواد خوراکی، از گوشت و حبوبات گرفته تا گندم و آرد و قند، به مقنی ها می داد تا این اجناس را از کسبه محلی بگیرند. البته حواله ها در اصل، از طریق مؤدیان صادر می شد و عامل نفقه فقط، اطلاع رسانی می کرد. در مواردی هم که مقنی از متصدی، پول نقد بابت دستمزد خود می گرفت، به او رسید می داد.

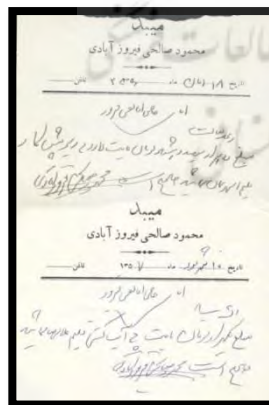
سند ۱۵. قبض حواله نفقه به مقنی



سند ۱۴. طومار وصول نفقه جنسی



سند ۱۶. قبض حواله نفقه به مقنی

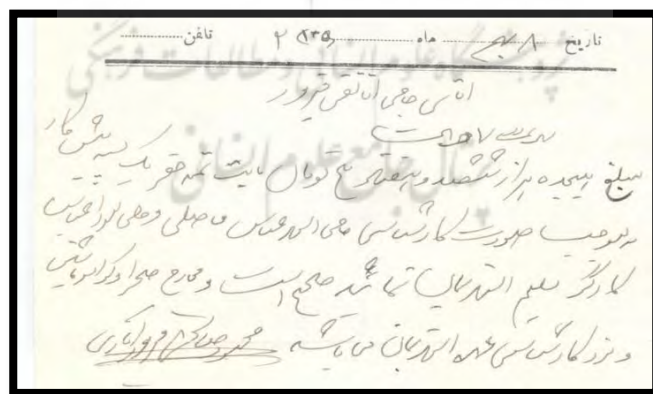


بررسی اسناد خطی و قباله‌های مربوط به امور قنات در میبد ❖ ۱۵۱

هر یک از اسناد فوق در واقع، دو حواله در یک سند هستند که برای تعمیرات مورد نیاز قنات پرداخت شده‌اند؛ حواله اول، بابت لایروبی که هزینه آن از محل آب میان کردن تأمین شده است، حواله دوم، بابت آب هرزی، حواله سوم، بابت حفر پیشکار و حواله چهارم، بابت «پی آب کنی» یعنی ممانعت از هرز روی یا سرقت آب. قنات به تعمیر دیگری نیز به نام روزبندی^۱ نیاز دارد که هزینه آن هم از محل نفقه یا میان کردن آب تأمین می‌شود.

شیوه کارشناسی و پرداخت دستمزد مقنی: به سبب اهمیت حفر پیشکار از نظر کیفی و کمی، عامل برای کنترل چگونگی انجام کار مقنی درخواست بررسی کارشناسی می‌کند؛ عملی که هزینه آن بر عهده مقنی است. سپس، کارشناس بررسی کمی حفر پیشکار را با متر کردن طول پشته در سطح زمین انجام می‌دهد. در این محاسبه، براساس عرف، در هر ۱۰ متر از طول پشته، نیم متر اضافه برای کجی «کار» (راهرو) در نظر می‌گیرند و در بررسی کیفی برای کنترل شیوه حفر و رو نکلدن «کار» (محاسبه دقیق شیب) کارشناس مزبور به داخل قنات می‌رود و پس از طی این مراحل، نظر خود را به عامل ارائه می‌دهد. عامل نیز به استناد گزارش او از متصدی می‌خواهد که دستمزد مقنی را بپردازد. (سند ۱۵)

سند ۱۷. حواله به استناد صورت کارشناسی



۱. مرزبندی شکاف‌های ناشی از نشست زمین در حریم چاه.

۱۵۲ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

۲. آب میان کردن یا شکستن مدار: در موارد استثنایی یا فوریت‌ها، حتی در مورد قنات‌هایی که دارای نفقه بودند، یک یا دو روز به مدار گردش آب می‌افزودند و آب را به اصطلاح میان می‌کردند و مدار را می‌شکستند تا از محل فروش آن هزینه مورد نیاز را تأمین کنند، طبق سند شماره ۱۶ در سال ۱۳۱۵ پس از نفوذ سیل به داخل قنات‌های فیروزآباد میبد و تخریب آنها، یک شبانه‌روز به دور افزودند و نرخ فروش هر جرّه را تعیین و شیوه نقد کردن و هزینه آن را نیز مشخص کردند.

سند ۱۸. کاغذ آب میان کردن



متن سند ۱۸. کاغذ آب میان کردن

باعث تحریر آنکه: چون به جهت نزول سیل‌های پی در پی قنات متعلقه به قریه فیروزآباد که خرابی کلی به هر یک وارد آمده و آب هر یک کسر فاحش به هم رسانیده و به جهت تنقیه و لایروبی قنات تنخواهی لازم بود، لهذا عمده مالکین و جمهور شاربین اجماع و اتفاق نموده که از قرار تفصیل ذیل مدار هر یک از قنات مزبوره ذیل شکسته و آن آب شکسته را فروخته تنخواه آن را به دست شخص امینی داده تا اینکه به طور عدالت و امانت به مصرف مخارج تنقیه قنات برسانند، بلکه از تفضلات الهیه آبی تحصیل شده در مزروعات (خوشکیده) خشکیده شرب شود

قنات جدیده یک شبانه روز شتوی آتیه سنه قنات رفیع آباد شتوی مزبور ایت ئیل فی جرہ ۲/۷۵ ریال جمع ۵۲/۸ تومان هر جرہ ۲ ریال جمع ۲۵ تومان قنات محمودی یک شبانه روز شتوی مزبور سعیدآباد از قرار طسوجی

۱۱ شاهی

هر جرہ ۱۰ شاهی جمع ۹۶ تومان جمع ۵ تومان
و کان ذالک فی ۲۶ شهر جمادی الثانیه ۱۳۱۵ مطابق هشتم آذرماه جلالی هذہ السنه تخاقوئیل مستدرک سنه آتیه ایت ئیل

امضا و مهر سهام‌داران

جمع‌بندی

نظر به اینکه ساختار قنات، زاینده یک حرکت مردمی و گروهی بوده، در اداره آن نیز شرکت گروه‌های مختلف مردم ضرورت داشته است. قنات، نبض اقتصاد و چشمه فیضان آب حیات مردم بود و اداره آن نیز به دست خود مردم و با مدیریتی جمعی و شورایی صورت می‌گرفت که بر اساس خودگردانی و خودمحموری شکل گرفته بود. فقط در موارد جزئی، مالکان بزرگ، نظرهایی را اعمال می‌کردند که به‌ویژه در اکثر نقاط حوزه پژوهش که نظام خرده‌مالکی حاکم بود، نقش تعیین‌کننده‌ای نداشت و اگر میراب درستکار و

۱۵۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

شجاعی نقش مدیریت را بر عهده می‌گرفت، بلگ^۱ خان را در می‌کرد و مانع از زیاده‌خواهی او می‌شد. حتی در مواردی هم که مالکان بزرگ، خود احداث‌کننده قنات بودند، چون در واقع با فروش سهام، بخش عمده‌ای از هزینه‌های قنات را تأمین کرده بودند، با خرده‌مالکان زیادی طرف حساب می‌شدند که با پرداخت نفقه، مخارج نگهداری را بر عهده داشتند، و به همین دلیل نمی‌توانستند بی‌دخالت آنان کاری از پیش ببرند. قنات در طول سال‌ها و قرون متمادی، از فرهنگی بسیار غنی با ضوابط ویژه، برخوردار شده بود و حقوق عرفی سرشار از ریزه‌کاری ضامن حفاظت آن بود. مردم هر جا مورد تجاوز دیگران قرار می‌گرفتند؛ برای مثال، کسی بند کرتشان را می‌گرفت یا در پی تصرف عدوانی ممر آب یا تجاوز به حریم قنات آنان بود از همتایان و کارشناسان خبره محل یا حتی حاکم شرع استمداد می‌طلبیدند و آنان نیز همیشه داوران منصف و بی‌طرفی بودند که جانب حق را می‌گرفتند. ضامن اجرای حکم این گروه نیز جامعه بود که متجاوز جرئت سرپیچی از آن را نداشت (نک: اسناد ۱ تا ۳) تا وقتی که مردم از فرهنگ خودساخته و فناوری‌های سنتی قنات بهره می‌گرفتند، چون هم دانش لازم را داشتند و هم ابزار مورد استفاده‌شان بر حسب نیاز و متناسب با شرایط زیستگاهی ساخته شده بود، ناهماهنگی خاصی در امور دیده نمی‌شد. اما از زمانی که این تعادل به هم خورد و نیروی ماشینی جایگزین نیروی مکانیکی و نیروی ثقل قنات شد، نظم همه چیز از دست رفت؛ موتور دست ساخته خودش نبود که به زیر و بم آن آشنا باشد، برای یک کشاورز بی‌سواد روستایی، موتور همان غول بی‌شاخ و دمی بود که در افسانه‌ها او را از آن ترسانده بودند و نمی‌دانست چگونه باید با آن برخورد کند - هنوز هم بعد از گذشت نیم قرن نمی‌داند - زیرا هرگز کسی به او نگفته است چگونه این میزان آبی که مقنی با بیلچه‌ای به بلندای ۳۰ سانتیمتر و کلنگی به وزن ۳ کیلو از دل زمین بیرون می‌کشید، حالا با چنین دردسرهایی همراه شده است. در آن روزها که مقنی مصدر کار بود، بزرگ‌ترین رخدادهای احتمالی، شکستن نوک کلنگ بود که آن را هم خود او، همان جا با دم آهنگری و سندان‌هایی که به همراه داشت، شخصاً تعمیر می‌کرد، بدون آنکه وقفه‌ای در جریان آب ایجاد شود؛ گاه نیز اگر قنات در جایی ریزش می‌کرد، مقنی در فاصله کوتاهی، یک کانال یا راهروی انحرافی

۱. balg: بلگ در کردن یعنی شکستن سد خاکی که برای آبیاری در مسیر آب می‌سازند وقتی میراب دست به این کار می‌زد که سهم‌بر از همه سهم آب خود استفاده کرده و دیگر آبی نداشت.

بررسی اسناد خطی و قباله‌های مربوط به امور قنات در میبد ❖ ۱۵۵

حفر می‌کرد و آب را به جریان می‌انداخت و نمی‌گذاشت محصول کشاورز تشنه بماند، اما اکنون، سر و کار کشاورز با چاه عمیق و موتور و پمپی افتاده است که گاه با شکستن یک پیچ آن چندین روز از کار می‌افتد. او پیش از این، استقلال عمل داشت و خودکفا بود اما حالا، ریش در گرو کسانی دارد که برای تأمین برق یا تهیه سوخت و تعمیر موتور به آنان نیاز دارد. ممکن است چاه‌های عمیق، آب بیشتری برای او آورده و زمین‌های وسیع‌تری را آباد کرده باشند، اما در عوض، مشکلات دیگری پدید آمده‌اند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تغییر شیوه‌های استحصال آب موجب تغییر کیفیت محصول شده است، انار یزد دیگر آن کیفیت و مرغوبیت سابق را ندارد.
- بسیاری از درختان میوه (به‌خصوص سیاه‌درخت) بر اثر آبیاری با آب چاه که غلظت و املاح زیادی دارد، خشک شده‌اند.
- به دلیل سرعت و حجم زیاد بهره‌برداری، ذخایر آب زیرزمینی در خطر نابودی قرار گرفته است.

منابع

- جانب‌اللهی، محمدسعید (۱۳۷۹). «فناوری‌های سنتی حفاظت از قنات‌ها در حوزه‌های کویری». *مجموعه مقالات قنات*. ج اول، یزد: شرکت سهامی آب منطقه‌ای یزد.
- _____ (۱۳۸۳). *چهل گفتار در مردم‌شناسی میبد*. دفتر اول، فرهنگ و فناوری قنات. تهران: روشنان.
- خوارزمی، ابو عبدالله محمد بن احمد بن یوسف کاتب (۱۳۶۲). *مفاتیح العلوم*. ترجمه حسین خدیو جم، چ ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رضویان، محمدتقی (۱۳۶۰). *شهر میبد*. تهران: دفتر جهاد دانشگاهی دانشگاه ملی ایران.
- کرجی، ابوبکر محمد بن الحسن الحاسب (۱۳۴۵). *استخراج آبهای پنهانی*. ترجمه حسین خدیو جم، بنیاد فرهنگ ایران زمین.
- لمبتون (۱۳۶۲). ا.ک.س. *مالک و زارع در ایران*. ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی